



رکود حاکم بر فعالیت واحدهای تولیدی در سالهای اخیر همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران صنعتی کشور مطرح بوده است. بر این اساس، شناسایی دلایل وقوع رکود در واحدهای تولیدی به منظور تدوین راهکارهای رفع آن ضروری به نظر می‌رسد. در یک دسته‌بندی کلی کمبود نقدینگی، بالا بودن نرخ اسپرد بانکها، دشواری‌های مربوط به اخذ تسهیلات از بانکها و حساب ذخیره ارزی اهم مسائلی است که تولیدکنندگان بخش خصوصی با آنها مواجه‌اند؛ مسائلی که در ادامه این مقاله مورد باز شکافی قرار می‌گیرد.

واحدهای تولیدی جهت نقدینگی بیشتر، از رشد فزاینده تورم ضربه می‌دیدند.

تحت شرایط فوق ۳۰-۲۵ درصد رشد تسهیلات یک رشد واقعی همراه با تزریق منابع مالی به واحدهای تولیدی نبوده بلکه حداقل ۲۰ درصد رشد تسهیلات صرف تجدید تسهیلات واحدهای تولیدی، بدون تزریق نقدینگی اضافی جهت تامین منابع مالی برای خرید مواد اولیه و هزینه‌های جاری بود و در نتیجه آمار تسهیلات بانکها بدون تزریق دیناری جهت تامین نیاز فزاینده واحدهای تولیدی به منابع مالی افزایش ولی حجم تولیدات واحدهای تولیدی و ظرفیت عملی تولید آنها کاهش و قیمت تمام شده آنها افزایش می‌یافت که خود عامل تورم و زیانده شدن واحدهای تولیدی بود که این امر به تدریج شتاب بیشتری یافته و باعث تعطیل واحدهای تولیدی گردیده است.

۱- کمبود نقدینگی حاکم بر واحدهای تولیدی و رشد بدهی‌های معوق بانکها

کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی و کار با ظرفیت‌های ناچیز و در نتیجه زیانده‌ی و عدم توانایی پرداخت بدهی‌ها ضایع‌ابست که ریشه در دوران جنگ تحمیلی و تبعات آن دارد چون در آن ایام دولت‌های وقت برای تامین هزینه‌های جاری به خصوص با مقدار کم و قیمت نازل فروش نفت مجبور به چاپ اسکناس و تامین ریال مورد نیاز خود بودند که در نتیجه برای مهار تورم حاصل از آن، سعی در محدود کردن رشد تسهیلات بانکی می‌نمودند به ترتیبی که حداکثر مجاز رشد تسهیلات بانکها در بخش صنعت معمولاً بین ۳۰ تا ۲۵ درصد بود در حالی که واحدهای تولیدی بدلیل تورم بالا، نیاز

دلایل تعطیلی و رکود واحدهای تولیدی در ایران

قفل بانکی بر صنعت

مهندس هوشنگ فاخر
عضو هیات رییسه اتاق ایران



۵ تا ۱۰ درصد باقیمانده رشد تسهیلات نیز بطور معمول نصیب واحدهای در حال تولید (قدیمی و جدید) نشده بلکه به دلیل فشار مسوولین اجرایی مانند بخشدار، فرماندار، استاندار، وزارت صنایع و ... و همچنین نمایندگان محترم مجلس در حوزه فعالیت ایشان جهت واحدهای در حال احداث برای به بهره برداری رسیدن آنها نصیب این گروه می‌گردد. لذا عملاً واحدهای در حال بهره‌برداری سهمی از این رشد تسهیلات برای تامین نیاز فزاینده خود به نقدینگی جهت تامین منابع مالی حاصل از تورم حاکم، نمی‌برند.

تحت تاثیر عوامل فوق و عدم پرداخت به موقع اقساط، واحدهای تولیدی از دریافت تسهیلات جدید نیز محروم و شرایط ایشان بحرانی می‌گردد. باید توجه داشت که زیانده شدن واحدهای تولیدی بدلیل آنکه پرداختی‌های سالیانه ایشان کمتر از کالای تولید شده است، خود از عوامل رشد تورم بوده و مجموعه آنها به مثابه هزینه‌های دولت که اضافه بر مالیات دریافتی هزینه گردد، عامل تورم می‌باشد. این حرکت نیز تورم ساز می‌باشد که به دلیل آمار فزاینده واحدهای زیانده چاره جویی و حل مشکل آنها برای خروج از این شرایط یکی از ابزار کاهش نرخ تورم می‌باشد.

۲- عامل بالا بودن نرخ اسپرد بانک‌های ایرانی چیست؟

رشد تعداد شعب بانک‌های دولتی و خصوصی کشور به خصوص در سنوات اخیر بدین معنی است که آنها برای خرید املاک و یا سرقفلی شعب خود منابع هنگفتی را هزینه می‌نمایند که بابت تامین منابع مالی آنها به سپرده‌گذاران معمولاً با نرخ سپرده‌های بلند مدت (۴-۵ ساله) رقمی حدود ۲۰-۱۸ درصد (سود پرداختی به وجوه پرداختی بابت خرید سرقفلی و املاک به علاوه سپرده قانونی) سود سالیانه سپرده پرداخت نموده و سالیانه با نرخ ۱۰ درصد نزولی نیز هزینه استهلاک منظور می‌نمایند که جمع این دو رقم حدود ۳۰-۲۸ درصد حجم سرمایه‌گذاری آنها روی مجموعه املاک و سرقفلی‌های ایشان می‌باشد و این رقم جزو هزینه‌های سالیانه بدون منظور کردن افزایش ارزش سرقفلی و املاک بانک‌ها در قسمت درآمدهای ایشان می‌باشد که این امر باعث بالا رفتن هزینه و در نتیجه نرخ اسپرد بانک‌ها می‌گردد (باید به افزایش فوق‌العاده سرقفلی و املاک در ایران که به طور معمول در کشورهای اروپایی و امثالهم معمول نبوده و در نتیجه مورد توجه نمی‌باشد به عنوان یک عامل خاص در سیستم بانکداری ایران توجه نمود).

برای رفع این مشکل می‌بایست به تجدید ارزیابی سرقفلی و املاک بانک‌ها و درج افزایش ارزش آنها در ستون درآمدهای ایشان اقدام نمود تا بدین وسیله نرخ اسپرد بانک‌ها منطقی و از تحمیل آن به دریافت کنندگان تسهیلات احتراز و نظر مقام محترم ریاست جمهوری برای تک رقمی کردن نرخ سود تسهیلات و یکسان شدن هزینه مالی تولیدات داخلی با رقبای خارجی فراهم و امکان رشد و توسعه تولید و اشتغال میسر گردد.

در سنوات قبل، یکبار از این تجدید ارزیابی معمول و متأسفانه برخلاف اصول حسابداری به جای اینکه افزایش ارزش در ستون درآمد حساب سود و زیان بانک‌ها منظور و سپس سود حاصل از آن با منظور کردن آن بابت افزایش سرمایه بانک‌ها که باعث افزایش کفایت سرمایه بانک‌ها می‌گردد (یکی از مشکلات فعلی حاکم بر سیستم بانکی) به حساب دولت منظور و از بدهی دولت به سیستم بانک کاسته شده که این روش با منطق حسابداری تطبیق ندارد.

پیشنهاد- با تصویب ماده واحدهای بانک‌ها مکلف و مجاز گردند که هر سال یک سوم یا یک چهارم کل سرقفلی و املاک و دارایی‌های خود را ارزیابی مجدد نموده و اضافه ارزش آنها را به حساب درآمد خود منظور و جهت حفظ سلامت مالی آنها به جای پرداخت آن به سهامداران بابت افزایش سرمایه، به حساب سرمایه منظور و سهام اضافی نسبت به سهم به سهامداران پرداخت نمایند. این امر باعث خواهد شد که هر ۳ یا ۴ سال یک دور کامل کلیه املاک و سرقفلی‌های ایشان تجدید ارزیابی شده و ارزش دارایی‌های ایشان نزدیک به ارزش واقعی و روز باشد، که این امر ضمن کاهش نرخ اسپرد بانک‌ها حلال تمام یا قسمتی از مشکل کفایت سرمایه ایشان خواهد بود.

۳- رشد بدهی معوق بانک‌ها در سال جدید به جای آنکه تماماً به حساب شرایط اقتصادی گذاشته شود، نتیجه سخت‌گیری به مدیریت بانک‌ها در مورد تجدید بدهی‌های قبلی (به اصطلاح نو کردن بدهی‌های کهنه) می‌باشد چون در سنوات قبل بانک‌ها این امر را با سهولت بیشتر انجام و در نتیجه از معوق شدن بدهی مشتریان جلوگیری می‌نمودند در حالی که در ماه‌های اخیر اجتناب از اجرای آن به دلیل ایراد به مدیریت بانک‌ها توسط بعضی مقامات باعث بالا رفتن درصد بدهی‌های معوق بانک‌ها گردیده است.

۴- آیا رشد تسهیلات بانکی در ایران عامل رشد تورم یا کاهش تورم می‌باشد؟

از آنجایی که اغلب واحدهای تولیدی به شرح مندرج در بند (۱) این گزارش به دلیل کمبود

نقدینگی با ظرفیت کمتر از ظرفیت واقعی (کامل) خود تولید می‌کنند، این امر باعث افزایش قیمت تمام شده واحد تولید آنها و در نتیجه رشد تورم می‌گردد در حالی که اگر تسهیلات لازم برای تامین نقدینگی ایشان برای کار در حداکثر ظرفیت تزریق شود، این امر ضمن رشد تولید و اشتغال باعث کاهش قیمت‌ها و تورم خواهد بود. اگر کشورهای توسعه یافته و صنعتی از رشد نقدینگی احتراز می‌نمایند، علت آن شرایط حاکم بر اقتصاد آنها که اشتغال کامل عوامل تولید می‌باشد، است چون افزایش تسهیلات و نقدینگی به دلیل استفاده از کلیه امکانات موجودشان در شرایط حاضر امکان افزایش تولید و عرضه را فراهم نکرده و به دلیل ثابت ماندن منحنی عرضه کل ولی رشد منحنی تقاضای کل (در نتیجه تزریق پول بیشتر) عامل رشد تورم می‌باشد که این امر در کشور ما کاملاً برعکس می‌باشد.

ضمناً باید توجه نمود که میزان سرانه نقدینگی باید با ظرفیت و توان تولیدی هر کشور متناسب باشد لذا ترس از رشد نقدینگی بدون توجه به فاکتورهای موجود در هر کشور با این استدلال که رشد نقدینگی عامل تورم می‌باشد، منطقی نخواهد بود. به طور مثال، نقدینگی سرانه در کشورهای اروپایی و آمریکایی باتوجه به شرایط اقتصادی آنها حدود ۲۵-۱۰ برابر نقدینگی سرانه ایران می‌باشد در حالی که تورم آنها رقمی بین ۵-۲ درصد است که به مراتب از نرخ تورم فزاینده ایران کمتر است. لذا افزایش نقدینگی واحدهای تولیدی تا حدی که توان فعالیت آنها را به استفاده از حداکثر توان تولیدی آنها افزایش دهد، علاوه بر اینکه تورم‌زا نخواهد بود به دلیل کاهش زیان یا افزایش سود آنها، ضد تورم خواهد بود.

۵- آیا امکان اعطای تسهیلات بیشتر به واحدهایی که نیازمند آن بوده و می‌توانند با دریافت آن تولید با ارزش بیشتر از تسهیلات دریافتی ایجاد نمایند، وجود دارد؟

از آنجاییکه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات حدود ۵-۴ درصد تسهیلات اعطایی برای تامین نقدینگی صندوق پرداخت خود و حدود ۱۶/۷ درصد تسهیلات اعطایی نیز سپرده قانونی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سپرده گذاری می‌نمایند لذا جمعاً حدود ۲۲-۲۱ درصد تسهیلات اعطایی پول لازم دارند، حجم سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها می‌تواند اعطای تسهیلات ایشان را به میزان تقریبی ۵-۴ برابر حجم سپرده‌ها تامین نماید که این نسبت در سنوات گذشته حدود ۱/۳-

۱/۲ برابر بوده که در صورت اعطای تسهیلات در حد نیاز واحدهای تولیدی:

۱-۵- هزینه تمام شده پول برای اعطای تسهیلات به یک چهارم الی یک پنجم سود پرداختی به سپرده‌ها تقلیل می‌یافت.

۲-۵- با رفع مشکل نقدینگی واحدها، یا زیاندهی آنها کاهش می‌یافت و یا اینکه سود دهی آنها افزایش می‌یافت که این امر در کاهش قیمت تمام شده و تورم موثر بود ضمناً از مسایل تعطیلی کارخانجات، تقلیل نیروی کار و در نتیجه افزایش بیکاران و ... احتراز می‌گردید.

۳-۵- بانکها برای جلب مشتری همانند بانکهای دنیا مجبور به رقابت با یکدیگر می‌شوند که فعلاً این انگیزه در ایران وجود ندارد.

۴-۵- بدهی معوق گیرندگان تسهیلات کاهش و شرایط وصول مطالبات بانکها بهبود می‌یافت.

۵-۵- درآمد دولت از محل وصول مالیات بیشتر و کاهش هزینه‌های تامین شغل برای بیکاران افزایش می‌یافت.

۶- تثبیت نسبی نرخ ارز در سنوات ۸۶-۸۰ که با افزایش حداقل دستمزد به میزان ۲۲۲ درصد و اثر آن روی سایر هزینه‌های تولید مانند مواد اولیه داخلی، انرژی، حمل و نقل و هزینه‌های عمومی و در نتیجه رشد تورم باعث افزایش هزینه تولیدات داخلی و در نتیجه عدم رقابت با کالاهای وارداتی در داخل کشور و همچنین در بازارهای برون مرزی گردیده، مشکلات عدیده‌ای را در جهت فعالیت‌های تولیدی فراهم نموده که نتیجه آن، معضل تامین اشتغال حدود ۸۰۰۰۰۰ جوان تازه وارد به بازار کار در هر سال می‌باشد.

اگر قادر به کنترل تورم بودیم، تثبیت نرخ ارز یک شاهکار اقتصادی بود ولی تثبیت آن در شرایط تورمی به ضرر دولت محترم، نیروی کار و فعالان بخش تولید اعم از صنعت، معدن و کشاورزی است لذا افزایش نرخ ارز در حد تورم همراه با افزایش حقوق‌ها و تسهیلات واحدهای تولیدی برای امکان

ادامه فعالیت در همان پایه مورد درخواست می‌باشد.

۷- برقراری امکان واریز اقساط واحدهایی که از صندوق ذخیره ارزی وام‌های تولیدی دریافت نموده‌اند، بر مبنای نرخ روز تثبیت سفارش نزد بانک یا گشایش اعتبار اسنادی به دلایل زیر مورد نیاز می‌باشد:

عده‌ای از تولیدکنندگان و صادرکنندگان با استفاده از تسهیلات صندوق ذخیره ارزی اقدام به سرمایه‌گذاری جهت تولید و صدور کالا نموده‌اند که به هنگام تصمیم به سرمایه‌گذاری، نرخ هر یورو حدود ۷۰۰۰ ریال بوده و اکنون به حدود ۱۳۰۰۰ ریال افزایش یافته که افزایش آن حدود ۸۵ درصد می‌باشد.

آیا ظرفیت تولید واحد نیز به دلیل افزایش نرخ یورو ۸۵ درصد افزایش یافته؟ در شرایطی که چنین امری اتفاق نمی‌افتد، مطالبه ارز با نرخ جدید برای سرمایه‌گذاری که توجیه اقتصادی آن با یورو به نرخ اولیه مثبت بوده با مطالبه یورو با نرخ هر یورو ۱۳۰۰۰ ریال به احتمال قوی توجیه اقتصادی آن از بین خواهد رفت و با زیانده شدن سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاری، اشتغال و در نهایت سرمایه‌های ملی مصروف شده در این بخش زیان خواهند دید، این امر در شرایطی که دولت محترم برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید هزینه‌های گزافی متحمل می‌گردد، آیا منطقی نخواهد بود که برای تشویق سرمایه‌گذاری و رشد اشتغال و صادرات، نرخ واریز بدهی‌های ارزی مصروفه در بخش سرمایه‌گذاری‌های تولید با نرخ روز ثبت سفارش یا گشایش اعتبار نزد بانک انجام گردد تا با اطمینان حاصل از آن زمینه رشد و توسعه سرمایه‌گذاری، اشتغال و صادرات فراهم گردد.

چنانچه حتی برخی از این گروه از این روش حمایتی منتفع گردند، این امر خود باعث امنیت سرمایه‌گذاری و تشویق آن بوده و در نتیجه باعث

رشد و توسعه اقتصادی کشور، رشد اشتغال و کاهش دغدغه‌های دولت محترم برای اداره کشور خواهد بود البته اگر ما در شرایط کمبود منابع ارزی بودیم، پیروی از این روش منطقی نبود ولی در شرایطی که به لطف پروردگار کشور در شرایطی است که به جای مشکل منابع ارزی مشکل ایجاد اشتغال مطرح می‌باشد، چنین روشی کاملاً منطقی خواهد بود.

واحد تولیدی که محصولات خود را بر مبنای محاسبه نرخ سود تسهیلات و استهلاک خود به فرض با نرخ هر یورو ۷۰۰۰ ریال تولید نموده و محصول خود را صادر نموده، وقتی اقساط خود را با نرخ جدید یورو به نرخ هر یورو ۱۳۰۰۰ ریال پرداخت می‌نماید. در حالی که حساب سود و زیان و ترازنامه سال‌های قبل با پایان هر سال معین گردیده زیان سنوات قبل در حساب سود و زیان و ترازنامه سال پرداخت اقساط ظاهر می‌گردند که این امر نیز چندان منطقی نمی‌باشد.

لازم به توضیح است که ریاست وقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان اعطای این تسهیلات در سمینار سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی ج.ا.ا. در مقابل اظهار نگرانی متقاضیان دریافت تسهیلات از صندوق ذخیره ارزی اعلام نمودند که بانک حداکثر تا ۱۰ درصد افزایش نرخ ارزی را با دریافت کننده تسهیلات محاسبه و مازاد آنرا دولت محترم تقبل خواهند فرمود.

با عنایت به مراتب فوق پذیرش پیشنهاد فوق مبنی بر واریز اقساط مورد بحث با نرخ ارز روز ثبت سفارش یا گشایش اعتبار نزد بانک مورد درخواست می‌باشد تا بدین وسیله تامینی برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد و توسعه اشتغال و صادرات فراهم گردد.

مسئلاً اعمال چنین سیاستی در کل مجموعه اقتصادی به نفع کشور خواهد بود.



فروش کارخانه ریسندگی و رنگریزی

حومه شرق تهران

آماده تولید انواع نخ‌های اکرلیک: هایبالک، نخ فرش، نخ پتو

۲۵۰۰۰ متر زمین + ۱۰۰۰۰ متر سوله - بدون پرسنل

همراه: ۸۵۵۷-۱۱۱-۰۹۱۲ تلفن ثابت: ۲۲۰۴۲۴۶۱

